

درآمدی بر آموزش فلسفه

ملیحه صابری نجف آبادی
مرکز تحقیق سازمان مطالعه و تدوین
saber_malih@yahoo.com

چکیده

فلسفه‌ورزی در جهان معاصر که حاصل تفکر و اندیشه بنیادی انسان در شناخت هستی است، امروزه جنبه و حوزه‌های گوناگونی به خود گرفته است. اهمیت فلسفه‌های سنتی و تنوع فلسفه‌های ترکیبی و کاربردی، آموزش دانشگاهی این دستاورد گرانبها، هر روز پیچیده‌تر و تخصصی‌تر شده، به طوری که تحقق اهداف این آموزش جز با بازنگری مکرر و بازسازی سرفصل و برنامه درسی آن ممکن نیست.

این نوشتار رهیافتی است در تبیین مبانی و محورهای اصلی آموزش دانش و فهم فلسفی و همچنین پرورش مهارت‌های مربوط به این رشته که لازم است در تدوین برنامه درسی لحاظ شود.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژه‌های کلیدی

آموزش فلسفه، جایگاه فلسفه، حوزه‌های فلسفه، روش آموزش، مهارت‌های فلسفی.

مقدمه

محور اصلی دانش فلسفه، فهم عقلانی جهان و جایگاه انسان در آن و نیز تفکری خردمندانه درباره حقیقت و بنیاد موجودات است. به گفته ارسطو^۱، فلسفه در جستجوی اصل و علتها و بررسی بودنهاست تا راز حقیقت آشکار شود. ظهور فلسفه با بیداری میل جستجوگری، گرایش ذاتی و علم‌جویی بشر و به همراه طرح سؤالهای بنیادی درباره هستی بوده است. بشر همواره با بی‌قراری خواستار درک عمیق و تفسیر جهان و جایگاه خود در آن است. به عبارت دیگر، از همان زمان که وی زبان به پرسش گشود و از علل پدیدارها سؤال کرد (حنا الفاخوری، ۱۳۶۷)، فلسفه به وجود آمد. بنابراین، فلسفه‌ورزی انسان در تمام دوران تاریخ وجود دارد. برحسب این نیاز بشری نظریات و مکاتب فراوانی به وجود آمده‌اند.

تا آنجا که ما می‌دانیم تاریخ آموزش آکادمیک فلسفه به حدود ۲۴۰۰ سال قبل بازمی‌گردد. آکادمیا^۲ اولین مدرسه‌ای بود که افلاطون آن را در حوالی آتن تأسیس کرد تا در آن فلسفه را تعلیم دهد؛ فلسفه‌ای که درس کشف حقیقت و شناخت هستی می‌داد. از نظر افلاطون فیلسوف کسی بود که بر مدینه فاضله ریاست داشت و سلامت و سعادت جامعه را تضمین می‌کرد. در آن روزگار فلسفه همه زمینه‌های علم را زیر سلطه خود داشت و پیشاهنگ تمام پیشرفتهای علمی و عقلی بود. به گفته ویل دورانت در آن روزگار تواناترین مردان برای جانسپاری در راه فلسفه آماده بودند چنان‌که سقراط شهادت در راه فلسفه را بر گریز از برابر دشمنان آن ترجیح داد. افلاطون دوبار جان خود را به خطر انداخت تا دولتی مبتنی بر حکمت و فلسفه تشکیل دهد. مارکوس اورلیوس آن را از تاج و تخت خود بیشتر دوست می‌داشت و برونو به خاطر وفاداری به فلسفه زنده به آتش افکنده شد (ویل دورانت، ۱۳۶۹، ص ۳).

روزگاری بود که پادشاهان و پاپان از فلسفه می‌ترسیدند و برای حفظ حکومت پیروان آن را به زندان می‌انداختند. آتن پروتاگوراس را از خود براند و اسکندریه در برابر هیاتیا به لرزه درآمد. دیونوسیوس و پسرش حکومت سیرازکوز را به افلاطون پیشنهاد کردند و کمک شاهانه اسکندر به ارسطو او را دانشمندترین مرد تاریخ ساخت و از او در برابر دشمنانش پشتیبانی کرد (همانجا). در آن روزگار فلسفه محترم بود و چیزی شریف‌تر از دوست داشتن حقیقت نبود.

با پیشرفت علوم، فلسفه تحول بسیاری یافت. در شرق مسلمانان با استفاده از

میراث فلسفی یونان و بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، دستاورد گرانبهایی به نام فلسفه اسلامی پدید آوردند. در غرب، بعد از رنسانس، فلسفه شاخه‌های متعددی یافت و فلسفه‌های مضاف مانند فلسفه اخلاق، فلسفه هنر، فلسفه علم، فلسفه دین و فلسفه معرفت به وجود آمد؛ هرچند به ظاهر تفوق و سیطره خود را در علوم از دست داد و حضور طوفانی آن جای خود را به نسیمی ملایم و کم تأثیر داد، به قول ویل دورانت این امر ناشی از آن بود که فلسفه «ثمرات پیروزی خود را به دختران خود یعنی علوم واگذار کرده است» (همانجا). اما فلسفه راه خود را به سوی مجهولات و سرزمینهای کشف نشده ادامه داد و در این کار اشتهای ملکوتی سیری‌ناپذیر دارد (ویل دورانت، ۱۳۵۷، ص ۳). به همین دلیل فلسفه بی‌پایان، متغیر و دامنه‌اش در حال گسترش است و این گسترش بر دو امر مبتنی است یکی تحرک درونی خود فلسفه و دیگری اشراف بر مسائل جدید که از خارج فلسفه پدید آمده‌اند.

بنابراین فلسفه در تألیف اندیشه‌های عمیق و کارساز که به فهم بهتر جهان و حل مسائل و معتقدات فکری و فرهنگی و سیاسی و اخلاقی و حتی عملکرد شهروندان کشور منجر می‌شود نقش اساسی دارد. به عبارت دیگر، فلسفه موضوعی حاشیه‌ای و مجرد نیست که در حوزه‌های خاص انتزاعی به کار آید، بلکه نقشی حیاتی در تثبیت پایه‌های علم و فرهنگ هر جامعه داشته، در رأس علوم قرار دارد.

همراه با پیشرفت و توسعه گسترده علوم، فلسفه نیز با گرایشها و رویکردها و مباحث جدید و تخصصی وارد این حوزه گردید، به طوری که فلسفه‌های ترکیبی و کاربردی در کنار فلسفه‌های سنتی قرار گرفت و آموزش دانشگاهی آن را پیچیده و دارای جنبه‌های گوناگون کرد؛ البته اجرای موفق آن جز با نظارت و دقت همه‌جانبه بر جنبه و رویکردهای آن ممکن نیست.

مقاله حاضر ضمن آنکه اشاره به جنبه‌های فلسفه دارد، قالبی کلی برای مطالعه و آموزش دانشگاهی آن ارائه می‌دهد تا خطوط کلی و رنوس مطالب و اهداف آموزش آن مشخص شود. ابتدا، حوزه‌های مختلف مطالعات فلسفی را معرفی می‌کنیم و سپس به شرایط کلی آموزش دانشگاهی آن می‌پردازیم.

حوزه‌های مطالعات فلسفی

حوزه‌های مطالعات فلسفی عبارت است از:

۱. فلسفه عمومی، شامل بررسی نظریاتی است که موضوع آن وسیع‌ترین قلمرو

را دارد. تحت این عنوان، عناوینی مانند وجود، حقیقت، زمان، علیت، اختیار، نفس و بدن، علم، عقلانیت، منطق، معنا، تکلیف، خیر، زیبایی، تفسیر و تاریخ قرار دارد.

۲. مطالعه فلسفی حوزه‌های خاص تجربه و تحقیق انسان، مانند زبان، علوم تجربی، علوم اجتماعی، سیاست، حقوق، تعلیم و تربیت، مذهب، ادبیات، هنر و ریاضیات.

۳. مطالعه تاریخ فلسفه که در آن سنت‌های گوناگون فلسفی بررسی می‌شود. در بسیاری از فرهنگها و سنتها تاریخ فلسفه به هزاران سال قبل مربوط می‌شود. در غرب بیش از ۲۵۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد و فلسفه‌های ایرانی و هندی قدمتی سه هزار ساله دارند. مطالعه تاریخ فلسفه، مطالعه اندیشه‌ها و مسائل فلسفی در رویدادهای مختلف تاریخی و تبیین میزان پیوند و ارتباط اندیشه‌های فلسفی با یکدیگر و تأثیرگذاری بر هم است. زیرا اندیشه‌های فلسفی پیوند محکمی با یکدیگر دارند و تأثیر و تأثر فلاسفه بر هم و بر نظامهای فلسفی چنان است که کمتر فیلسوفی را می‌توان یافت که متأثر از فیلسوفان پیش از خود نباشند، به طوری که تاریخ فلسفه نمایانگر سیر تطور افکار فلسفی است. کانون مطالعات تاریخ فلسفه، به خصوص فلسفه غرب آن هم مطالعه آثار کلاسیک آن، از دوران سقراط به بعد است. فلسفه‌هایی دیگر نیز مانند فلسفه اسلامی، بودایی و هند هم مورد توجه است.

این خاصیت فلسفه است که نظریات پیشین را به‌عنوان مباحثی زنده و چالش‌ساز برای دیدگاههای معاصر مطرح می‌سازد.

تفاوت رویکردها

مسلماً مکاتب فلسفی در روش، رویکرد، علایق و تأکیدات خاص با هم متفاوت‌اند. مثلاً فلسفه تحلیلی که عمدتاً با تحلیل لفظ و معنا ارتباط دارد و ریشه آن به آثار فرگه^۳، ویتگنشتاین^۴، برتراند راسل^۵، مور^۶ و پوزیتیویستهای حلقه وین برمی‌گردد، مدعی است که گزاره‌های غیر تحلیلی و غیر تجربی تحقیق‌ناپذیر و بنابراین مهم‌ل و بی‌معنایند (سرل، ۱۳۸۰) و با فلسفه اگزیستانسیالیسم که وجود انسان را مقدم بر ماهیت او می‌داند (به تعبیر هایدگر^۷ انسان پاره‌سنگی است که در عالم وجود رها شده و خودش ماهیت خود را می‌سازد. هر انسانی استعداد انتخاب اهداف، ارزشها، گرایشها و راه زندگی خودش را دارد و به همین دلیل باید شخصاً و آزادانه اقدام کند) تفاوت دارد (موسوی، ۱۳۷۳). بدیهی است بررسی موضوعات فلسفه در هر مکتب با توجه به علایق و اصول

علايق و اصول و مباني آن مکتب انجام می‌شود. دانشجو باید با توجه به پایه‌های اعتقادی این مکاتب، موضوعات کلی فلسفه عمومی را بررسی کند؛ آموزش دانشگاهی فلسفه جز با تبیین دقیق و موشکافانه اصول و پایه‌های این مکاتب ممکن نیست.

ساختار برنامه

دامنه مطالب فلسفی، آن هم در خود آموزش و مطالعه به روش دانشگاهی، آن قدر وسیع است که آموزش مباحث و نظریات فلسفی در دانشگاه به طور کامل امکان‌پذیر نیست و به ناچار باید برخی مباحث آن گزینش شود. این گزینش تحت شرایط و محدودیت‌هایی است که به نوع فلسفه (ستی و یا کاربردی)، گرایش و سطح تحصیلی دانشجویان مربوط است. بدیهی است سرفصل برنامه درسی با توجه به این محدودیت‌ها طراحی می‌شود. دانشجویان باید واحدهای درسی را به منظور کسب دانش فلسفی گزینش کنند و مهارت‌های عمومی و اختصاصی آن رشته را به دست آورند که کلیات آن بدین شرح است:

الف) دانش و درک محتوا

دانشجویان باید مفاد اصلی موضوعات ذیل را فرا گیرند:

۱. نظریات و ادله‌تعدادی از فلاسفه مهم در تاریخ فلسفه،
 ۲. برخی از نظریات و ادله‌اصلی در زمینه منطق، متافیزیک، معرفت‌شناسی و فلسفه نفس،
 ۳. برخی از نظریات و ادله‌اصلی مربوط به فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست و فلسفه اجتماعی به معنای وسیع کلمه و
 ۴. آگاهی از مباحث عمده، شایع و رایج تحقیق و بحث و فحص فلسفی.
- مسئله برنامه اختصاصی که به یک نسبت به گرایش فلسفی خاص تعلق دارد باید در زمینه سنت یا سنت‌های دیگر فلسفی اطلاعاتی برای دانشجویان فراهم سازد. مثلاً دانشجویان رشته فلسفه سیاسی باید فرصت مطالعه فلسفه غرب را هم داشته باشند.
- نحوه آموزش: مسلماً روش واحدی برای تعلیم فلسفه، به گونه‌ای که متناسب با تمام مسائل فلسفه باشد وجود ندارد. اما فلسفه‌ورزی به طور منحصر به فرد با شیوه‌هایی صورت می‌گیرد که عبارت است از: طرح سؤال، آزمودن آراء، برخورد انتقادی با آنها،

ایجاد، شدت و حدت بخشیدن به تمایزات، ابداع واژگان جدید، نقد و تفسیر مجدد متون اصلی، بررسی موضوعاتی که در تاریخ فلسفه مطرح شده‌اند، به کارگیری شیوه‌های منطق صوری، سازماندهی و ارزیابی ادله مستدل و انجام آزمونهای فکری یا نظم دادن به اسناد و مدارکی که از نتایج مربوط اخذ شده‌اند.

ب) مهارت‌ها

آنچه آموزش فلسفه را در هر جامعه ضروری می‌سازد کارایی آن در رفع مشکلات با هویت اساساً انتزاعی است که به صورتهای مختلف وجود دارد. بنابراین، دانشجویان فلسفه برای پرداختن به چنین مسائلی باید طیفی از مهارتهای فلسفی را کسب نمایند. این مهارتها دو دسته‌اند: (۱) مهارتهای فلسفه و (۲) مهارتهای عمومی.

۱. مهارتهای فلسفه:

- تشخیص موضوعات زیربنایی در همه انواع مباحثات.
 - دقت تفکر و بیان در تحلیل و نظم و نسق بخشیدن به مسائل پیچیده و بحث‌برانگیز.
 - حساسیت نسبت به تفسیر متونی که به دورانهای تاریخی و سنن گوناگون مربوط است.

- ارزیابی دقیق ادله متون.
 - توانایی در به کارگیری اصطلاحات تخصصی فلسفی و نقد آنها.
 - توانایی در چکیده‌نویسی، تحلیل و اقامه ادله صحیح و شناسایی مطالعه‌های منطقی.
 - توانایی تشخیص اشتباهات مربوط به روش‌شناسی، فنون بلاغی، فرضیات پنهان، ابهام^۹ و سطحی‌نگری^{۱۰}.

- توانایی حرکت میان تعمیم و بحث کاملاً تخصصی، اختراع یا کشف مثالهایی که به زیان و یا به نفع یک موضوع ذکر می‌شود و تشخیص ملاحظات مربوط از غیر مربوط.
 - قدرت اندیشیدن به آراء و شیوه‌های تفکر ناآشنا، بررسی نقادانه پیش‌فرضها و روشهای موجود در محدوده این رشته.

دانشجوی فلسفه باید بتواند از مرزهای سنتی موضوعات فلسفی عبور کرده با درک محدودیتها و امتیازات رشته‌های دیگر، آموزه‌های فلسفی را در آنها پیاده کند و مهارتها و فنون فلسفی را در مورد موضوعات خارج از دانشگاه به کار گیرد؛ به طوری

- که بتواند با استفاده از توانایی این علم به پرسشهای جدید جهان معاصر پاسخ دهد.
۲. **مهارتهای عمومی:** فارغ‌التحصیلان علاوه بر مهارتهای خاص رشته فلسفه، باید با مهارتهای دیگر هم به مطالعه و تحقیق در علوم انسانی بپردازند. آنان باید یاد بگیرند که:
- با دقت به سخنرانیهای پیچیده گوش دهند.
 - موضوعات متنوع تخصصی و غیر تخصصی را به دقت بخوانند.
 - به طور کارآمد و مؤثر از کتابخانه استفاده کنند.
 - بر روی منابع شفاهی و کتبی، تأمل دقیق و نقادانه داشته باشند و قابلیت‌های تجزیه و تحلیل ذهن را به کار گیرند.
 - مطالب مهم را به موقع به خاطر بسپارند و در مواقع لازم آنها را به یاد آورند.
 - به مجموعه پیچیده اطلاعات نظم بخشند.
 - در ارزیابی مواد و مطالب ادله قاطع اقامه کنند.
 - ارزیابی روشن و منسجمی از نکات و مسائل، به صورت مکتوب یا غیر مکتوب ارائه کنند.
- دانشجویان باید با اجرای برنامه‌هایی در چهارچوب فضای آموزشی، برای توسعه مهارتهای ذیل فرصت لازم را داشته باشند.
- آشنایی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، پردازش اصطلاحات جدید و روزآمد، و گردش و بهره‌برداری از شبکه ارتباطات جهانی.
 - جستجوی اطلاعات و بازیابی آنها با استفاده از منابع رایانه‌ای برای دستیابی به منابع و کتابشناسیها.

ویژگیهای دانشجوی

رشته فلسفه، رشته‌ای است کاملاً انتزاعی؛ از این رو تنها کسانی باید به این رشته بپردازند که از استعدادی بالا و ذهنی منسجم و قدرتمند و استوار برخوردار باشند. اذهان ناتوان، متلون و مذبذب و سست به هیچ وجه نباید به این رشته روی آورند و گرنه دچار شبهات و سرگشتگی می‌شوند و نمی‌توانند از آنها بیرون بیایند. علاوه بر این، فلسفه‌آموز باید استادی فرهیخته در علم و عمل داشته باشد که با تعلیم و تربیت گفتاری و رفتاری وی تربیت شود. بسیاری از علوم را می‌توان بدون استاد فرا گرفت، اما آموختن فلسفه بدون استادی فرهیخته و حکیم در علم و عمل بسیار دشوار است و عموماً مایه سرگشتگی می‌شود.

مطالعه فلسفه باعث رشد طیفی از خصوصیات فردی می‌شود که در زمینه اشتغال کار بسیار اهمیت دارد. این امر باعث تقویت توانایی فارغ‌التحصیلان در اشتغال، یادگیری مادام‌العمر و رشد و پویایی علمی جامعه علمی خواهد شد. در ذیل به ویژگیهای دانشجوی فلسفه اشاره می‌شود:

- توانایی ایجاد انگیزه برای خود،
- توانایی انجام کار به طور مستقل،
- مدیریت کلی زمان‌بندی در برنامه‌های شخصی،
- دارا بودن ذهن انعطاف‌پذیر و قابل تطبیق با موقعیتهای جدید و
- توانایی تفکر خلاق، مستقل و نقادانه از خود.

تعلیم و تعلم

اشکال متنوع تعلیم و تعلم در فلسفه می‌تواند مفید باشد، از جمله:

- درس گفتارهای استادان.
- کلاسهای راهنمایی (که در آنها استاد فقط راهنمایی می‌کند ولی تدریس نمی‌کند).
- سمینارها که در آنها دانشجویان باید به نوبت عناوینی را معرفی کنند.
- دوره‌های خواندن تحت نظارت، همراه با ارائه مقالات برای بحث با یک استاد راهنما.

- نگارش رساله‌ای پرمطلب تحت نظارت شخصی دیگر.
- تشکیل گروههای بحث الکترونیکی.
- تشکیل گروههای دیگری که میان خود دانشجویان بحث در گیرد.

روشهای دیگر

آموزش فلسفه باید فرایندی فعال داشته باشد. در این کار دانشجو باید روشهای ذیل را به کار گیرد:

- خواندن متفکرانه که با فهرست مناسبی از کتب خواندنی شروع می‌شود.
- مباحثه و گفتگو در کلاسهای راهنمایی، سمینارها یا به هر شکل دیگر.
- ارائه مکتوب از مطالعه انجام شده، ارزیابی منتقدانه درباره آن و بررسی واکنش دیگران نسبت به آن.

- انجام تمرینهای متنوع و پیچیده در منطق صوری.

ارزشیابی

هدف از ارزشیابی در رشته فلسفه، آزمودن دو موضوع است: (۱) دانش و درک مجموعه‌ای از مواد درسی و (۲) توانایی در استدلال دقیق، منتقدانه، خلاق و مستقل.

به منظور دستیابی به این هدف، بسیاری از روشهای مستقل و تلفیقی را می‌توان به کار گرفت که مهم‌ترین آنها چنین است:

- برگزاری امتحانات رسمی، چه آنها که تصحیح می‌شوند، چه آنها که تصحیح نمی‌شوند و چه آنها که در آنها استفاده از متن آزاد است.

- مقالات ارزیابی شده.

- نمونه‌هایی از تکالیف پایان ترم.

- رساله‌ها.

- ارزیابی رسمی از عملکرد دانشجویان در ارائه مقاله زنده و نیز برپایی مباحثات، از سخنرانیهای سمیناری گرفته تا امتحانات شفاهی رسمی.

معیار موفقیت دانشجویان، بازتابی است از علم و درک او از رشته فلسفه و روشها و شیوه‌های متنوع آن، همراه با مجموعه‌ای از مهارتهایی که باید کسب کند.

در پایان خاطر نشان می‌شود که هدف از موارد فوق توجه دادن طراحان و کارشناسان آموزشی به مبانی و اصول کلی و رئوس مسائل مورد نیاز در طراحی برنامه‌ریزی درسی رشته فلسفه است تا شاید افق جدیدی برای بازنگری در سرفصل و ورود به مباحث جدید فلسفی گشوده شود. همچنین دست‌اندرکاران بتوانند برای نیل به اهداف آموزش که مهم‌ترین آن پرورش متفکرانی قابل و برخوردار از ذهن پرسشگر، خلاق و نقاد و آگاه به معضلات جامعه است - متفکرانی که با قرار گرفتن در مسیر رشد و توسعه جامعه علمی و متخصصان اهل فن امروز فلسفه می‌توانند مشکلات اعتقادی و بومی و غیر بومی این مرز و بوم را حل کنند - از آن بهره گیرند.

پی‌نوشتها

1. Aristotle (384-322 BC)
2. Academia
3. Ferege, Gottlob (1848-1929)
4. Wittgenstein, Ludwig (1889-1951)
5. Russell-Bertrand (1872-1970)
6. Moore, G. E (1973-1958)
7. Heidegger, Martin (1889-1979)

8. unnoticed assumption
9. vagueness
10. superficially

منابع

- سرل، جان آر (۱۳۸۰)، *نگرشهای نوین در فلسفه*، ترجمه محمد سعیدی مهر، دانشگاه قم: مؤسسه فرهنگی طه.
- ویل دورانت (۱۳۵۷)، *تاریخ فلسفه*، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- _____ (۱۳۶۹)، *لذات فلسفه*، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- حنا الفاخوری، خلیل العتر (۱۳۶۷)، *تاریخ فلسفه در جهان اسلامی*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- موسوی، ولی... (۱۳۷۳)، *سیمای انسان آرمانی از دیدگاه افلاطون، مارکسیسم، نیچه، اگزیستانسیالیسم و اسلام*، گیلان: جهاد دانشگاهی دانشگاه گیلان.
- Aber (1991), *International Encyclopedia of Curriculum*, Pergamon Press.
- Doll, R. (1990) *Curriculum improvement*, Allyn and Bacon.
- Purta, T. (1991), *Civic Education, the international Encyclopedia of Curriculum*, Pergamon Press.
- "The Quality Assurance Agency for Higher Education" (2000), [www. qaa.ac.uk](http://www.qaa.ac.uk)